

## تأثیر جنگ‌های مرزی شاه‌عباس اول صفوی بر پراکندگی بازرگانان در ایران<sup>۱</sup>

اصغر رحمتی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران

محسن رحمتی<sup>۲</sup>

استاد گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران

جهانبخش ثواب

استاد گروه تاریخ، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران

### چکیده

جنگ‌ها از عوامل مؤثر بر ایجاد یا تغییر مسیرهای تجاری‌اند. در عهد شاه‌عباس اول صفوی (حک. ۹۹۶-۱۰۳۸هـ)، جنگ با عثمانی، اوزبکان و پرتغالی‌ها عاملی تأثیرگذار بر پراکندگی بازرگانان بود. این جنگ‌ها باعث شد که مسیر تجاری شمال به جنوب ایران اهمیت بیشتری پیدا کند و بازرگانان نیز در شهرهایی اجتماع کنند که در این مسیر قرار داشت. در این پژوهش به روش مطالعه کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی تحلیلی، به دنبال پاسخ به این پرسش‌ایم که جنگ‌های مرزی شاه‌عباس صفوی چه تأثیراتی بر پراکندگی بازرگانان در ایران عصر صفویه داشته‌است؟ یافته پژوهش نشان می‌دهد که این جنگ‌ها سبب شد تا مسیرهای تجاری تغییر کند و بیشترین تمرکز بر مسیر شمالی-جنوبی قلمرو صفویه باشد و بازرگانان متناسب با این تغییر مسیر، دچار پراکندگی منظمی در شهرهایی شوند که در کنار این مسیر قرار داشت.

**کلیدواژه‌ها:** اوزبکان، پرتغالی‌ها، تجارت دوره صفوی، جنگ‌های مرزی، شاه‌عباس صفوی، عثمانی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۸

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): rahmati.mo@lu.ac.ir

## مقدمه

با تشکیل حکومت صفویه در ایران، منافع سیاسی و اقتصادی امپراتوری عثمانی به خطر افتاد و در پی آن، جنگ‌هایی ممتد این دو حکومت ایجاد شد. هم‌چنین در این دوره، اوزبکان نیز به مناطق شرقی ایران به‌خصوص خراسان هجوم می‌بردند که باعث ویرانی شهرها و ناامن شدن راه‌ها و مراکز اقتصادی می‌شد. حکومت عثمانی بر مسیری بازرگانی مسلط بود که از استانبول و حلب به طرف تبریز امتداد داشت و سپس به شرق ایران منتهی می‌شد. بازرگانان ایرانی نیز می‌بایست کالاهای خود را از طریق این مسیر حمل کرده، آن را به شهرهای خراسان و هرات ببرند تا به شرق و آسیای مرکزی برسند. مناطق مرزی‌ای که این مسیر از آن‌جا عبور می‌کرد، محل منازعات میان دولت صفویه با اوزبکان و عثمانی بود. مسیرهای تجاری که به مناطق تحت تسلط عثمانی و اوزبکان می‌رسید تحت تأثیر این منازعات و جنگ‌ها دچار ویرانی‌های زیادی شد و امنیت خود را از دست داد. این‌گونه جنگ‌ها سبب شد که پراکندگی بازرگانان فعال در ایران متناسب با پیامدهای ناشی از این جنگ‌ها دچار دگرگونی‌هایی شود. به‌همین سبب حکومت صفوی در پی ایجاد مسیرهای جدید برای مبادلات تجاری خود برآمد. در دوره شاه‌عباس اول (حک. ۹۹۵-۱۰۳۸هـ) تلاش‌هایی برای از میان برداشتن این تهدیدات به‌عمل آمد و مناطق اشغالی ایران از تسلط عثمانی آزاد شد و حملات اوزبکان در چند مرحله دفع شد و سرانجام به این درگیری‌ها پایان داده شد. شاه‌عباس که درصدد رونق اقتصادی کشور و گسترش تجارت داخلی و پیوند دامنه آن به تجارت بین‌المللی بود، برای رهایی از حملات مکرر این دو همسایه مهاجم شرقی و غربی و جلوگیری از سیطره آن‌ها بر کشور و هم‌چنین برای اجرای اهداف و برنامه‌های اقتصادی خویش، به‌دنبال ایجاد مسیر جدید تجاری از شمال به جنوب ایران برآمد. او برای دستیابی به این هدف و برای اخراج پرتغالی‌ها، با کمپانی‌های تجاری فعال در منطقه از جمله کمپانی هند شرقی انگلیس ارتباط برقرار کرد و با کمک قدرت نیروی دریایی آن‌ها اقدام به اخراج پرتغالی‌ها کرد. اقدام شاه‌عباس در تغییر مسیر تجاری موجب شد که مراکز

اجتماع و اسکان بازرگانان در شهرهای قلمرو صفویه تغییر کند. با این که پراکندگی بازرگانان به‌عنوان متغیری مستقل، تابعی از متغیرهای وابسته نظیر چگونگی گذر و امتداد راه‌های تجاری، مراکز تولید محصولات تجاری، چگونگی امنیت داخلی و مسیرهای بین‌شهری و برون‌شهری، سیاست‌ها و اهداف اقتصادی حکومت، حضور کمپانی‌های خارجی و مسیر دریایی بیرون از سلطه همسایگان و عواملی دیگر است، اما متغیر جنگ به‌عنوان یک عامل نظامی بر روی این مقوله اقتصادی تأثیر مهمی داشت. این جنگ‌ها سیاست شاه‌عباس را در تغییر مسیر تجاری، محروم‌سازی دولت‌های رقیب از مزایای مسیر سنتی تجارت ایران (مسیر زمینی) و مصون‌سازی شبکه تجاری خویش تقویت کرد. هدف پژوهش پیش رو بررسی این پرسش است که جنگ‌های مرزی شاه‌عباس اول صفوی چه تأثیری بر پراکندگی بازرگانان در ایران عصر صفویه داشته‌است؟

این پژوهش از نوع تاریخی است که در مرحله گردآوری اطلاعات، به‌روش کتابخانه-ای و بهره‌گیری از منابع تاریخی و در مرحله بررسی موضوع، به‌شیوه توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود.

### پیشینه پژوهش

با این که جنگ‌های دولت صفویه با عثمانی، اوزبکان و پرتغالی‌ها (در جنوب ایران)، موضوع بسیاری از مقالات صفویه‌پژوهی بوده‌است، اما پراکندگی بازرگانان در ایران متأثر از این جنگ‌ها کم‌تر در دید توجه آنان قرار داشته‌است؛ برای مثال، متولی، اصلانی و فضل‌ی (۱۳۹۳ش) در مقاله «پیامدهای حملات اوزبکان بر منطقه خراسان در دوره صفوی»<sup>۳</sup> این حملات را از جنبه‌های سیاسی، مذهبی و اقتصادی در طول دوره صفویه بررسی کرده‌اند. اینان گرچه بر ویرانگری‌های ناشی از این حملات تأکید کرده‌اند اما به تأثیرات آن‌ها بر

۳. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، س ۲، ش ۲ (پیاپی ۴)، بهار و تابستان، صص ۱۴۴-۱۶۰.

بازرگانان و پراکندگی آن‌ها در عصر شاه‌عباس نپرداخته‌اند. رازنهان و خالندی (۱۳۹۴ش) به بررسی «جهت‌گیری سیاست خارجی صفویان در مسأله منازعات میان دولت عثمانی و اروپا از معاهده زهاب تا سقوط صفویان»<sup>۴</sup> پرداخته‌اند و اشاره‌ای به تأثیر این منازعات بر بازرگانان داخلی ایران نکرده‌اند. ثواقب و لعبت‌فرد (۱۳۹۶ش) به «واکاوی رویارویی‌های مذهبی صفوی و عثمانی در قفقاز (۹۳۰- ۱۰۳۸/هـ ۱۵۲۳ تا ۱۶۲۹م)»<sup>۵</sup> پرداخته‌اند و عمدتاً بر مسائل مذهبی در قفقاز تکیه کرده، متعرض پیامدهای اقتصادی آن برای ایران به‌ویژه بازرگانان نشده‌اند. این دو در مقاله‌ای دیگر (۱۳۹۶ش) «عوامل اقتصادی تنش میان صفویه و عثمانی در قفقاز و پیامدهای آن» را در همان محدوده زمانی بررسی کرده‌اند. تقوی‌فر، جمالی و جدیدی (۱۳۹۷ش) به بررسی «روابط بازرگانی دولت صفویه با عثمانی از دوره شاه صفی تا سقوط صفویان (۱۰۳۹-۱۱۳۵/هـ ۱۶۲۹-۱۷۲۲م)»<sup>۶</sup> پرداخته‌اند. تکیه این مقاله از نظر زمانی پس از حکومت شاه‌عباس است و به تأثیر ارتباطات تجاری این دو حکومت و راه‌هایی که از قلمرو آن‌ها می‌گذرد پرداخته و به پراکندگی بازرگانان ناشی از تخاصمات مرزی اشاره‌ای ندارد.

از پژوهشگران خارجی، رودی متی (۲۰۰۲م) در مقاله «تجار در عصر صفوی (شرکا و دیدگاه‌ها)»<sup>۷</sup> بر سه نکته تأکید کرده است: ۱. چه کسانی و به چه میزانی در تجارت شرکت می‌کردند؟ ۲. بررسی جایگاه سیاسی-اجتماعی بازرگانان، به‌ویژه رابطه آن‌ها با دولت از این منظر که آیا آن‌ها جزء لاینفک دولت بودند و به‌عنوان نخبگان حاکم در سلسله مراتب دیوان-سالاری جای می‌گرفتند یا این که بیش‌تر یک طبقه مستقل را تشکیل می‌دادند و در عرصه

۴. مطالعات تاریخ اسلام، دوره ۷، ش ۲۴، بهار، صص ۸۳-۱۱۶.

۵. پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، س ۵۳، دوره جدید، س ۹، ش ۴ (پیاپی ۳۶)، زمستان، صص ۲۵۳-۲۷۶.

۶. پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، س ۵۴، دوره جدید ۱۰، ش ۳ (پیاپی ۳۹)، پاییز، صص ۲۵-۳۹.

۷. این مقاله همراه با سه مقاله دیگر از متی توسط حسن زندیه ترجمه و به صورت کتاب «اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی» (قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷) منتشر شده است.

جداگانه‌ای از نخبگان سیاسی زندگی می‌کردند؟<sup>۳</sup>. بررسی روابط دولت و تجار از منظر ادراک و خودآگاهی گروهی. متی با این‌که تجار را براساس طبقه‌بندی قومی و مذهبی مشتمل بر ارامنه، یهودیان، هندیان و مسلمانان بررسی کرده، اما بیش‌تر به نوع فعالیت آنان در اموری مانند خدمات مالی، تجارت کالاهای جزئی و تجارت در مناطق دوردست پرداخته<sup>۴</sup> و به دلایل پراکندگی بازرگانان یا تأثیرات جنگ‌های شاه‌عباس بر این پراکندگی اشاره‌ای ندارد. هم‌چنین به موضوع تغییر مسیر تجاری شرق-غرب به مسیر شمال-جنوب و چرایی آن پرداخته‌است.

پژوهش پیش رو متمایز از دیگر پژوهش‌ها، ضمن تبیین مسیرهای تجاری عهد صفویه، عوامل مؤثر بر پراکندگی بازرگانان در مسیرهای تجاری ایران در عصر شاه‌عباس اول به‌ویژه تأثیر جنگ‌های مرزی او با همسایگان (عثمانی و اوزبکان) و پرتغالیان در جنوب ایران را بر این پراکندگی بررسی کرده‌است. در واقع تأثیر عامل نظامی را بر پدیده‌ای اقتصادی (تجارت) و تغییر و تحولات موقعیت بازرگانان تحلیل کرده‌است.

### مسیرهای تجاری در دوره صفویه

در عهد تیموریان (حک. ۷۷۱-۹۱۱هـ)، تبریز در غرب و هرات در شرق مسیر تجاری شرق به غرب ایران نقش مهمی ایفا می‌کردند. این دو مرکز تجاری در حدفاصل بخشی از مسیر تجاری بین‌المللی «جاده ابریشم» که از ایران عبور می‌کرد، قرار گرفته بودند. مبدأ راه ابریشم (راه ارتباطی میان چین و روم) در شرق از چین و شهرهای کان‌سو، هانسی، کوچا، کاشغر، تاشکند،<sup>۹</sup> سمرقند به بلخ، هرات، مرو،<sup>۱۰</sup> سرخس، سبزوار، نیشابور، دامغان،<sup>۱۱</sup> به

۸. متی، ۱۰۸-۱۰۹.

۹. گروسه، ۵۱۴-۵۱۵.

۱۰. مستوفی، ۱۷۵.

۱۱. همو، ۱۷۴.

ری می‌رسید که در آن جا به دو شعبه تقسیم می‌شد؛ یک شعبه به سلطانیه و از آن جا به تبریز می‌رسید و سپس با عبور از شهرهای آناتولی به بندر ترابوزان در ساحل دریای سیاه منتهی می‌شد.<sup>۱۲</sup> شعبه دیگر از طریق همدان وارد بغداد شده، از آن جا به شام می‌رسید (نقشه ۱).

یک شاخه از جاده ابریشم در شمال دریای خزر از طریق دشت قباچاق وارد قفقاز می‌شد. یک قسمت فرعی از این جاده از سمرقند به خوارزم و پس از آن به هشرخان و از آن جا به بندر دُن در کنار دریای آزوف<sup>۱۳</sup> در شمال دریای سیاه منتهی می‌شد.<sup>۱۴</sup> شاهان صفوی به جای مسیر قزوین-تبریز-ترابوزان، مسیر جدیدی را از طریق قزوین-گیلان-هشرخان تا مسکو، ایجاد کردند. شهرهای واقع در این مسیر تجاری از مراکز اقتصادی و تولیدی مهمی محسوب می‌شدند.<sup>۱۵</sup> این مسیر از جمله راه‌های مهمی بود که در مواقع بروز جنگ بین صفویه و عثمانی، مورد استفاده عمدتاً بازرگانان قرار می‌گرفت.

آذربایجان در عهد ایلخانان مغول (حک. ۶۵۴-۷۵۰هـ)، تیموریان و اوایل حکومت صفویه نقش کلیدی در پیوند میان راه ابریشم که از شرق به غرب ایران عبور می‌کرد، داشت؛ زیرا راه‌های تجاری که به ایران وارد می‌شد از طریق این ایالت به اروپا می‌رسید. در ابتدای حکومت صفویه، کالاهای چینی، هندی و ایرانی از مسیر اصفهان به تبریز و پس از آن به ایروان، نخجوان و سرانجام به استانبول منتقل می‌شد.<sup>۱۶</sup> هم‌چنین بخشی از این کالاهای تجاری از طریق شعبه دیگر این مسیر یعنی از همدان، کرمانشاه و دیاربکر به حلب در کنار دریای مدیترانه که دومین ایستگاه تجاری با اروپا به‌شمار می‌رفت، ارسال می‌شد.<sup>۱۷</sup>

۱۲. مستوفی، ۱۷۳.

### 13. Sea of Azov

۱۴. باستانی پاریزی، ۱۲۰؛ ثواقب و لعبت فر، ۳۰.

۱۵. فن دریابل، ۳۷، ۴۴؛ کاتف، ۳۶، ۴۷؛ سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران، ۴۶، ۶۰.

۱۶. تاورنیه، ۲۲، ۲۶، ۳۳، ۳۸، ۵۰، ۵۵، ۶۲، ۶۳.

۱۷. همو، ۲۷۸، ۲۸۲، ۲۸۵.

بازرگانان عثمانی از مسیر موصل، بغداد و بصره با جزیره هرمز ارتباط داشتند<sup>۱۸</sup> و از دیاربکر، اورفا و موصل به سنندج و همدان می‌رسیدند.<sup>۱۹</sup> این مسیر محل عبور کالاهای تجاری‌ای بود که از چین و هند به ایران وارد می‌شد و پس از عبور از شهرهای ایران به حلب در سوریه می‌رسید.

مسیر دیگری که از شرق آسیا به ایران وارد می‌شد «جاده ادویه» بود. این مسیر از بندر کانتون<sup>۲۰</sup> در جنوب چین آغاز می‌شد و از طریق اقیانوس آرام به شبه جزیره مالابار می‌رسید و از مسیر تنگه «مالاکا»<sup>۲۱</sup> به خلیج بنگال و از آن‌جا به جنوب هند وارد می‌شد.<sup>۲۲</sup> این راه از طریق هرمز به کرمان،<sup>۲۳</sup> شیراز<sup>۲۴</sup> و مناطق مرکزی ایران و سپس به عراق عرب می‌رسید. شاخه‌ای از آن از طریق هند به هرات می‌رفت و از آن‌جا به نیشابور، یزد، اصفهان و همدان می‌رسید (نقشه ۱). این دو مرکز تجاری (هرات و تبریز) که نقش مرکزی را در مسیر تجاری شرقی-غربی ایران (راه ابریشم و راه ادویه) پیش از حکومت شاه‌عباس صفوی داشتند، با این‌که هنوز محل عبور مسافران بودند، به‌علت جنگ‌های چندین ساله‌ای که صفویان با اوزبکان در این مناطق داشتند رونق تجاری خود را از دست داده بودند.<sup>۲۵</sup> بنابراین مسیر جدیدی که در عهد صفویه پدید آمد و تحت تأثیر جنگ‌های سیاسی صفویان با اوزبکان، عثمانی‌ها و پرتغالی‌ها رونق گرفت، مسیری بود که از طریق دریای خزر به طرف خلیج فارس و دریای عمان منتهی می‌شد. این مسیر از شهرهایی هم‌چون هشترخان،<sup>۲۶</sup> گیلان،

۱۸. تاورنیه، ۲۱۴، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۴۴.

۱۹. همو، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۵، ۱۹۶، ۱۹۷.

20. Kanton

21. Strait of Malacca

۲۲. ابن بطوطه، ۲۰۵/۲-۲۰۶، ۲۰۹، ۳۰۷.

۲۳. مارکو پولو، ۴۵، ۵۰.

۲۴. مستوفی قزوینی، ۱۸۶-۱۸۷.

۲۵. تاورنیه، ۶۹۵.

۲۶. سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران، ۵۴.

مازندران،<sup>۲۷</sup> اردبیل، تبریز، قزوین، کاشان، اصفهان، یزد، شیراز، کرمان، لار، هرمز و بندرعباس عبور می‌کرد (نقشه ۱). این مراکز به محل تجمع و سکونت بازرگانان فعال در ایران تبدیل شدند.

مسیر جدیدی که در عهد شاه‌عباس اول ایجاد شد، خراسان، همدان، بغداد و استانبول را از رونق انداخت و راه تجاری بندرعباس به اصفهان و قزوین را فعال کرد. این راه از قزوین دو شعبه می‌شد، یکی به رشت و گیلان و دریای مازندران می‌رفت و دیگری به تبریز و از آن-جا به بنادر کنار دریای سیاه، یا از طریق زمینی به مسکو می‌رفت. در مسیر قدیم، اصفهان حضور کم‌رنگی داشت و تمرکز بر خراسان، همدان و بغداد بود ولی در مسیر جدید، به‌جای آن‌ها بندرعباس، یزد، اصفهان و رشت رونق داشتند.

### تأثیر جنگ‌ها بر سیاست‌های اقتصادی شاه‌عباس اول

شاه‌عباس اول در سیاست اقتصادی خویش برای افزایش درآمد و ثروت دولت، افزون‌بر حفظ و تثبیت امنیت مرزها با پاک‌سازی مناطق اشغالی نواحی غربی و شمال‌غربی از چنگ نیروهای عثمانی و متوقف ساختن حملات اوزبکان در منطقه خراسان، هم‌چنین برقراری امنیت داخلی، اقدامات مهمی را در زمینه رشد تولیدات داخلی به‌ویژه ساماندهی تولید و فروش ابریشم به‌عنوان کالای مهم و راهبردی و گسترش تجارت داخلی و بین‌المللی انجام داد. کشف راه دریایی از اروپا به آسیا و ادامه آن از مسیر اقیانوس هند به خلیج فارس، این راه را برای اهداف تجاری شاه‌عباس و تغییر مسیر تجارت زمینی از مسیر عثمانی هموار ساخت. طبیعی است که مسیر شمال، نواحی ابریشم‌خیز (گیلان، مازندران، استرآباد، شروان، قراباغ و...)، به مرکز و از آن‌جا به جنوب و کرانه خلیج فارس از اهمیت ویژه‌ای در برنامه اقتصادی شاه‌عباس برخوردار شد و در پی آن اقدامات عمرانی و تأسیساتی او در این مسیر برای تسهیل عبور و مرور کاروان‌های تجاری و رشد بازرگانی افزایش یافت. این



اقدامات بر پراکندگی بازرگانان و محل استقرار آنان در موقعیت جدید نسبت به مسیر پیشین تأثیر گذاشت و تغییراتی را در وضع آنان پدید آورد. هرچند شاید همه این اقدامات به طور مستقیم متأثر از جنگ‌های مرزی نباشد؛ اما اگر این ستیزه‌ها در روابط این دولت‌ها نبود و مسیر سنتی تجارت در پرتو ناامنی حاصل از لشکرکشی‌ها و دشمنی همسایگان به مخاطره نمی‌افتاد، تجارت روند معمول خود را ادامه می‌داد و کانون‌های بازرگانی و عامل انسانی آن که بازرگانان وضع جدیدی را تجربه نمی‌کردند. با این اشاره در پیوند تأثیرگذاری عامل نظامی بر برنامه‌های اقتصادی شاه‌عباس اول، اهم اقدامات او را در این زمینه بدین شرح می‌توان فهرست کرد:

۱. انتخاب اصفهان در ناحیه مرکزی کشور به‌عنوان پایتخت سیاسی - اقتصادی، راهبرد دور ساختن مرکز سیاسی از دسترس دشمنان؛
۲. ایجاد راه‌های مواصلاتی برای سهولت رفت‌وآمد کاروان‌های تجاری؛
۳. ساخت پل‌های استراتژیک در ایالات شمالی ایران (گیلان و مازندران)؛
۴. ساخت بازارهای سرپوشیده برای تسهیل در مبادلات تجاری؛<sup>۲۸</sup>
۵. احداث کاروانسراهای بین راهی و درون‌شهری؛<sup>۲۹</sup>
۶. رونق بخشیدن به بازرگانی خارجی؛
۷. تبدیل کردن بندرعباس به یک مرکز تجاری بین‌المللی؛<sup>۳۰</sup>
۸. گسترش روابط خارجی و وارد کردن بازرگانان اروپایی به تجارت ایران از طریق کمپانی‌های تجاری و اعطای امتیازات گوناگون حمایتی، مذهبی، تأمین و اقامتی به آن‌ها؛
۹. اسکان دادن اقلیت‌های مختلف از جمله ارمنه، هندی، یهودی و زرتشتی در

۲۸. ترکمان، ۱۱۴۱/۳-۱۱۴۳.

۲۹. تاورنیه، ۱۲۲-۱۳۰.

۳۰. باستانی پاریزی، ۱۱۵؛ فلسفی، ۱۴۶۳/۴.

### اصفهان برای تبادلات تجاری؛<sup>۳۱</sup>

۱۰. انتقال گروهی از اقلیت‌های دینی که عمدتاً بازرگان بودند به مازندران، از جمله ارامنه، یهودی‌ها و گرجی‌ها برای رشد و گسترش پرورش کرم ابریشم و تولید پارچه ابریشم؛<sup>۳۲</sup>

۱۱. رونق بخشیدن به صنایع نساجی و پارچه‌بافی برای تولید کالاهای مهم صادراتی در مسیر راه شمال-جنوب؛<sup>۳۳</sup>

۱۲. تخصصی شدن حرفه‌ها در شهرها نیز باعث رونق گرفتن واردات و صادرات شد و بازرگانان متناسب با نیاز هر شهر، محصولات شهر مبدأ و مقصد را شناسایی می‌کردند.<sup>۳۴</sup> از آن‌جا که مسأله اصلی این پژوهش بررسی تأثیر جنگ‌های مرزی به‌عنوان یک متغیر مستقل بر وضع بازرگانی و پراکندگی بازرگانان در کانون‌های تجاری مسیرهای مواصلاتی است، در ادامه به بررسی و تحلیل این جنگ‌ها و نسبت آن‌ها با موضوع می‌پردازیم.

### جنگ‌های شاه‌عباس با اوزبکان

اوزبکان از نوادگان جوجی پسر چنگیزخان بودند<sup>۳۵</sup> که در دشت قپچاق زندگی می‌کردند و از اواسط قرن نهم هجری، حملات خود را برای غلبه بر ماوراءالنهر شروع کردند.<sup>۳۶</sup> آنان سرانجام در اوایل قرن دهم با کنار زدن نوادگان تیمور، دو حکومت اوزبکان را در ماوراءالنهر و خوارزم بنیاد نهادند که به مناسبت نام نیای خود به شیانیان و عربشاهیان معروف شدند.<sup>۳۷</sup>

۳۱. کاتف، ۶۴.

۳۲. دلاواله، ۳۵۳.

۳۳. شاردن، ۹۰۲/۲.

۳۴. جملی‌کارری، ۲۱.

۳۵. غفاری قزوینی، ۲۰۴؛ شیرازی نویدی، ۱۵۶.

۳۶. خواندمیر، ۵۰/۴؛ اسفزاری، ۱۶۸/۲.

۳۷. منشی، محمدیوسف، ۸۵.

مؤسس سلسله شیپانی محمدخان بن شاه بداغ خان معروف به شیپک خان (حک. ۹۰۵-۹۱۶هـ) همه نواحی شرق جیحون مشتمل بر ماوراءالنهر و نواحی شرقی دشت قیچاق را در اختیار داشت.<sup>۳۸</sup> عربشاهیان نیز به سرکردگی ایلبارس خان در سال ۹۱۷هـ/۱۵۱۱م بر ناحیه خوارزم، مسلط شده، دولتی ایلیاتی به مرکزیت اورگنج (بعدها خیوه) بنیاد نهادند که به خانات خیوه معروف است.

این اوزبکان به واسطه معیشت ایلی و تلاش برای تأمین مایحتاج خود از طریق غارت شهرها و نواحی یک‌جانشین، همواره به اراضی جنوب جیحون چشم داشتند، برای مشروعیت بخشیدن به این رفتارها، کوشیدند تا اختلاف مذهبی با صفویان شیعی را دستاویز تاخت و تاز به خراسان کنند. آن‌ها هم‌چنین خود را وارث چنگیزخان قلمداد نموده، مدعی بودند که باید بر همه قلمرو چنگیزخانی فرمان برانند. بدین ترتیب، دعاوی ارضی و ملکی نیز بر بهانه‌های مذهبی آن‌ها افزوده شده بود.

نخستین تعرضات اوزبکان به خراسان را سال ۹۱۳هـ شیپک خان آغاز کرد که دامنه آن تا حدود یزد و کرمان را هم فرا گرفت، اما شاه اسماعیل به مقابله با آن‌ها درایستاد و سرانجام در سال ۹۱۶هـ در جنگ مرو شیپک خان اوزبک را به قتل رساند.<sup>۳۹</sup> اگر چه اوزبکان به ماوراء جیحون عقب نشستند، اما تا حدود یک قرن بعد، دسته‌های مختلف اوزبک به صورت پراکنده یا متمرکز به تاخت و تاز در نواحی شمال شرقی ایران از سواحل دریای مازندران تا کوه‌های هندوکوش می‌پرداختند، چنان‌که تقریباً سالی نبود که خراسان از تعرض اوزبکان مصون باشد. حتی در ابتدای حکومت شاه عباس، اوزبکان به سرکردگی عبدالله خان (حک. ۹۹۵-۱۰۰۶هـ) و عبدالؤمن خان (حک. ۱۰۰۶هـ) سراسر خراسان، حتی هرات و مشهد را زیر سلطه گرفته بودند.<sup>۴۰</sup>

۳۸. خنجی، ۳۲۶-۳۲۹؛ دوغلات، ۳۳۰-۳۳۶؛ قطغان، ۵۳-۶۸؛ منشی، محمدیوسف، ۸۶-۸۷.

۳۹. قزوینی، ۱۲۸.

۴۰. منشی قمی، ۸۷۵/۲-۸۷۸، ۸۹۵-۹۰۰؛ افوشته‌ای نظنزی، ۲۹۰-۳۰۲، ۳۶۷-۳۷۲؛ ترکمان، ۳۸۶/۱-۳۹۰.

شاه‌عباس، هیچ‌گونه توان و فرصتی برای دفع آن‌ها نداشت ولی اختلافات داخلی میان عبدالله‌خان و پسرش عبدالؤمن،<sup>۴۱</sup> حمله ایلات قزاق به قلمرو شیبانی در همین زمان،<sup>۴۲</sup> درگذشت عبدالله‌خان در رجب ۱۰۰۶ و به‌دنبال آن انقراض خاندان شیبانی،<sup>۴۳</sup> به شاه‌عباس صفوی فرصت داد تا با حمله به خراسان، ضمن استرداد همه اراضی ازدست‌رفته قبل از پایان سال ۱۰۰۷هـ، حتی عربشاهیان را نیز مطیع خود سازد.<sup>۴۴</sup>

با انقراض خاندان شیبانی در سال ۱۰۰۸هـ حکومت ماوراءالنهر به دست سلسله دیگری از اوزبک‌ها افتاد که با نام جانیان یا طغاتی‌موریه و اشترخانیان معروف‌اند.<sup>۴۵</sup> تلاش سلسله جدید برای تداوم حمله به خراسان در حدود سال ۱۰۱۰هـ با حضور شاه‌عباس در آن منطقه، خنثی شد.<sup>۴۶</sup> از آن پس، تحت تأثیر عواملی چند، جانیان برای همیشه دست از مبارزه با صفویان برداشتند.<sup>۴۷</sup>

پیامد این حملات، قتل‌عام و ویرانگری گسترده بود، به‌طوری‌که همانند مغولان چنان دست به کشتار می‌زدند که «دیگر در تمامی شهر متنفسی موجود نبود»؛<sup>۴۸</sup> برای مثال در ۹۹۷هـ به‌دستور عبدالله‌خان اوزبک پس از تسلط بر هرات، دستور قتل حاکم آن شهر علیقلی‌خان شاملو و اتباعش داده شد و پس از آن اقدام به قتل‌عام مردم هرات کردند.<sup>۴۹</sup> در

۴۱-۴۱۴؛ راقم سمرقندی، ۱۵۷، ۱۶۰-۱۶۱.

۴۱. ترکمان، ۵۴۹/۱-۵۵۲؛ راقم سمرقندی، ۱۷۱.

۴۲. ترکمان، ۵۵۳/۱.

۴۳. ترکمان، ۵۵۴/۱-۵۵۸؛ قس: راقم سمرقندی، ۱۷۱-۱۷۲؛ افوشته‌ای نظری، ۵۸۸-۵۸۹.

۴۴. ترکمان، ۱۵۵۸/۱-۵۶۱؛ ۵۷۰-۵۷۴، ۵۷۶-۵۷۷؛ ابوالغازی خان، ۲۷۱-۲۷۳؛ حسینی استرآبادی، ۱۶۶-

۱۶۷؛ راقم سمرقندی، ۱۷۳.

۴۵. ترکمان، ۵۹۱/۱-۵۹۴؛ راقم سمرقندی، ۱۷۳.

۴۶. ترکمان، ۶۲۱/۲-۶۳۰؛ یوسف منشی، ۱۲۶-۱۳۰.

۴۷. همو، ۸۳۲/۲-۸۴۳؛ همو، ۱۳۴.

۴۸. جنابدی، ۶۸۷.

۴۹. ترکمان، ۳۸۸/۲-۳۸۹.

سال ۹۹۸ هـ نیز عبدالؤمن خان به‌عنوان فرمانده لشکر اوزبکان پس از تسلط بر مشهد حکم به قتل و کشتار مردم داد به طوری که تمام اموال مردم و بازار مشهد به غارت رفت.<sup>۵۰</sup> شمار کشته‌شدگان این حملات بیش از پنج‌هزار نفر گزارش شده است.<sup>۵۱</sup> در سال ۱۰۰۴ هـ در سبزوار نیز کشتاری گسترده از مردم صورت گرفت و اماکن مسکونی و مذهبی و بازارها نیز ویران شد.<sup>۵۲</sup> این جنگ‌ها و حملات سبب شد که امنیت مسیرها و مراکز تجاری در شرق ایران به خصوص خراسان از میان برود. از جمله این مراکز، هرات بود که روزگاری مرکز حکومتی شاهرخ تیموری بود. او در این شهر اقدام به ساخت بازارها و تأسیسات عمرانی کرد، به طوری که این شهر تبدیل به مرکزی تجاری شد.<sup>۵۳</sup> هرات که در اوایل حکومت صفویه از اهمیت اقتصادی برخوردار بود، با گذر زمان و تحت تأثیر حملات اوزبکان رونق خود را از دست داد.

از سوی دیگر، تحت تأثیر حملات اوزبکان، بازرگانان از شهرهای خراسان به نقاط مرکزی تر قلمرو صفویه از جمله کاشان مهاجرت کردند. این شهر از مراکز جذب بازرگانان محسوب می‌شد و مرکز تولید پارچه‌های ابریشمی و قالی‌های بسیار ظریف و مرغوبی بود که در سراسر جهان نظیر نداشت و از این طریق ثروتی سرشار را جذب می‌کرد. قالی‌هایی که در کاشان و روستاهای اطراف آن بافته می‌شد، از شهرت زیادی در مشرق‌زمین برخوردار بود. بخشی از شهر را حصارکشی کرده بودند که مرکز بافندگان و تهیه‌کنندگان ابریشم بود. ثروتمندترین بازرگانان شهر نیز در این قسمت منزل داشتند. اما بهترین خانه‌ها و عالی‌ترین کاروانسراهای زیبا و دوطبقه که همه نوع وسایل راحتی برای خارجیان در آن‌ها آماده بود در

---

۵۰. جناب‌دی، ۶۸۶.

۵۱. حسینی قمی، ۸۹۸/۲؛ افوشته‌ای، ۳۷۲.

۵۲. افوشته‌ای، ۵۷۳؛ ترکمان، ۵۱۱/۲.

۵۳. سمرقندی، ۱۳۲/۲.

کنار بازارهای بزرگ در حومه شهر قرار داشت.<sup>۵۴</sup> افزون بر این، مهم‌ترین محصول صنعتی کاشان، انواع پارچه‌های حریر بود و تجارت این کالا بازرگانان زیادی را از اطراف و اکناف قلمرو صفویه به این شهر جذب می‌کرد. مقدار زیادی از این محصول به هند و سایر ممالک آسیایی صادر می‌شد.<sup>۵۵</sup> این شهر در نیمه دوم سده یازدهم از پرجمعیت‌ترین شهرهای ایران و از مراکز مهم تجاری ایران محسوب می‌شد. در این شهر با ایجاد ماشین‌های نساجی، پارچه‌های «زربفت و سیم‌بفت» تولید می‌شد و کار بازرگانان رونق می‌گرفت و آنان می‌توانستند با کالاهای نفیسی دیگر آن‌ها را مبادله کنند.<sup>۵۶</sup>

یزد نیز از مراکزی بود که تحت تأثیر حملات اوزبکان و مهاجرت مردم مناطقی که مورد هجوم قرار گرفته بودند، تبدیل به مرکز اجتماع بازرگانان شد؛ زیرا در این شهر بازرگانان از حملات اوزبک‌ها در امان بودند. این شهر در بخش مرکزی مسیر شمال به جنوب قرار داشت و در این دوره از مراکز اصلی بافندگی و تهیه پارچه بوده است.<sup>۵۷</sup> در یزد بازاری به نام «علاقه‌بندان»<sup>۵۸</sup> وجود داشت که محل فروش پارچه‌های مختلفی نظیر دست‌باف‌ها و ابریشم بود.<sup>۵۹</sup> این شرایط در کنار ایجاد امنیت و رونق راه‌های تجاری سبب جذب بازرگانان به این شهر می‌شد. تخصص یزدی‌ها در تولید پارچه سبب شده بود که در اصفهان کاروانسراهایی برای بازرگانان یزدی جهت عرضه و فروش پارچه‌های تولیدیشان احداث شود، از جمله کاروانسرای یزدیان و کاروانسرای خواجه محرم.<sup>۶۰</sup>

۵۴. فیگوئروا، ۲۶۴.

۵۵. جملی‌کارری، ۵۷-۵۸.

۵۶. اشترویس، ۶۱.

۵۷. آذربیدلی، ۲۶۶.

۵۸. مستوفی بافقی، ۳۷۳/۱.

۵۹. تاورنیه، ۳۹۱.

۶۰. افشار، ۵۵۴.

امنیت حاکم بر یزد و کرمان سبب استقرار بازرگانان زرتشتی<sup>۶۱</sup> در این دو شهر شده بود که در کار بازرگانی خارجی، به‌ویژه تجارت با هند فعالیت می‌کردند.<sup>۶۲</sup> گرگ کرمان از مواد مهم صادراتی بود که تجارت این بخش در دست بازرگانان زرتشتی قرار داشت و عمدتاً به هند صادر می‌شد.<sup>۶۳</sup> شاه‌عباس محله‌ای که بعد گبرآباد (گبرستان) نامیده شد نیز در جلفای اصفهان بنا کرد و بخشی از زرتشتیان یزد و کرمان را در آن اسکان داد.<sup>۶۴</sup> در عهد شاه صفی (حک. ۱۰۳۸-۱۰۵۲هـ) وضع اقتصادی بازرگانان زرتشتی بهتر شد و جایگاهی هم‌سطح با آرامنه در بازار اصفهان به‌دست آوردند.<sup>۶۵</sup> این موقعیت پس از آن نیز حفظ شد، به‌طوری‌که در عهد شاه سلیمان (حک. ۱۰۷۷-۱۱۰۵هـ)، شمار زرتشتیان ساکن اصفهان را ششصد خانوار نوشته‌اند.<sup>۶۶</sup>

### جنگ‌های ایران و عثمانی

با شکست الوند میرزا آق‌قویونلو در برابر اسماعیل (۹۰۷هـ)، تصرف تبریز و پایه‌گذاری حکومت صفویه که با رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران<sup>۶۷</sup> همراه شد و شاه‌اسماعیل به‌عنوان مرشد ترکمانان ساکن قلمرو عثمانی<sup>۶۸</sup> نیز به‌شمار آمد، اختلافات میان صفویان و عثمانیان از نظر سیاسی و مذهبی آغاز شد. این امر در زمان جانشینان شاه‌اسماعیل نیز ادامه

۶۱. شمار زرتشتیان کرمان را ده‌هزار نفر تخمین زده‌اند (تاورنیه، ۴۱۸). بین آن‌ها، صنعتگر و بازرگانی نیز وجود داشت، اما تعدادشان بسیار اندک بود زیرا غالباً فقیر بودند و سرمایه‌ای برای تجارت نداشتند (فیگوئروا، ۲۰۵).

۶۲. فیگوئروا، ۲۳۵.

۶۳. تاورنیه، ۱۱۳-۱۸۵.

۶۴. فیگوئروا، ۲۳۵.

۶۵. اولتاریوس، ۳۷.

۶۶. کمپفر، ۱۸۷.

۶۷. روملو، ۹۷۲/۲-۹۷۷؛ ترکمان، ۲۸/۱.

۶۸. اینالجیق، ۷۵.

پیدا کرد. سلطان سلیم اول عثمانی (حک. ۹۱۸-۹۲۶هـ) در مقابل صفویان روش نظامی درپیش گرفت. پس از جنگ چالدران (۹۲۰هـ/۱۵۱۴م) مناطق مهمی هم‌چون دیاربکر و نواحی شرقی آن از قلمرو صفویان جدا شد.<sup>۶۹</sup> این مناطق محل عبور جاده ابریشم از ایران به اروپا بودند.

سیاست سلطان سلیم را جانشینانش ادامه دادند؛ به‌طوری‌که سلطان سلیمان قانونی (حک. ۹۲۶-۹۷۴هـ) در طی چهار دوره جنگ از سال ۹۴۰ تا ۹۶۰هـ/۱۵۳۳-۱۵۵۲م به مناطق غربی و شمال غربی ایران هجوم آورد. این جنگ‌ها در ۸ رجب ۸/۹۶۲ ژوئن ۱۵۵۵ با عهدنامه آماسیه به‌پایان رسید و براساس آن بخش غربی آذربایجان، قسمتی از کردستان، عراق عرب و شمال گرجستان به دولت عثمانی واگذار شد و ارمنستان، اردهان، کارتیل، کاخ و بخش شرقی آذربایجان تحت حاکمیت ایران قرار گرفت.<sup>۷۰</sup>

طی این جنگ‌ها، شاه‌طهماسب به‌علت ضعف امکانات نظامی، از تاکتیک نظامی زمین سوخته در برابر سپاهیان عثمانی استفاده می‌کرد. تمام مناطقی که این تاکتیک دفاعی در آن‌ها به‌کار گرفته شد از نظر کشاورزی، دامداری، اقتصادی و تجاری دچار بحران شدند. تبریز، همدان و کرمانشاه تقریباً در دوران جنگ‌های بیست‌ساله ایران و عثمانی به‌لحاظ تجاری کم رونق شده، به‌سختی به حیات خود ادامه می‌دادند.<sup>۷۱</sup>

با این‌که صلح آماسیه تا پایان سلطنت شاه‌طهماسب (۹۸۴هـ) برقرار بود و دوره‌ای از آرامش مرزی پدید آمد، اما درگیری داخلی دربار صفوی بر سر جانشینی و روی کار آمدن کوتاه‌مدت شاه اسماعیل دوم (حک. ۹۸۴-۹۸۵هـ) بهانه‌هایی را به دست دولت عثمانی داد و در سلطنت محمد خدابنده، ایران گرفتار لشکرکشی گسترده سلطان مراد سوم عثمانی (حک. ۹۸۲-۱۰۰۳هـ) شد و بخش وسیعی از مناطق غربی و شمال‌غرب کشور به اشغال

۶۹. تتوی، ۵۵۲۷/۸.

۷۰. روملو، ۱۳۷۴/۳؛ ترکمان، ۱۲۸/۱-۱۲۹؛ قمی، ۳۶۹/۱-۳۷۰؛ ایواغلی، ۱۵۸؛ جنابذی، ۵۵۱.

۷۱. قمی، ۷۸۸/۱-۷۸۹؛ بیات، ۲۱۶.



سپاه عثمانی درآمد.

آشفستگی در مرزهای شمال غربی کشور به دلیل حضور نیروهای نظامی عثمانی و تسلط آن‌ها بر ایالات آذربایجان و ارمنستان و مناطق غربی<sup>۷۲</sup> و تهدید مرزهای شرقی ایران توسط نیروهای اوزبک، در عهد شاه‌عباس اول هم‌چنان ادامه داشت. او ناگزیر بود در برابر قدرت نظامی دولت عثمانی، از خود انعطاف نشان دهد.<sup>۷۳</sup> در اوایل سال ۹۹۶ هـ که شاه‌عباس برای رهایی از مسائل هرات و کمک به علیقلی خان شاملو عازم خراسان بود، ولی آقا چاشنی‌گیرباشی از جانب دولت عثمانی برای مذاکرات صلح بین دو کشور در دامغان به حضور او رسید. شاه‌عباس در سال ۹۹۸ هـ به خوبی متوجه شده بود که امکان جنگ هم‌زمان در دو جبهه - با عثمانی و اوزبکان - وجود ندارد، از این رو تصمیم گرفت با دولت عثمانی رسماً مصالحه کند و پیامدهای تلخ آن را بپذیرد. از شرایط مصالحه، حضور یکی از شاهزادگان صفوی در استانبول به عنوان گروگان بود.<sup>۷۴</sup> این در حالی بود که عثمانی‌ها خوزستان و لرستان را تصرف و تا حدود نهاوند و همدان پیشروی کرده بودند.<sup>۷۵</sup> شاه‌عباس در صفر سال ۹۹۹ هـ پس از مذاکرات مقدماتی، قرارداد صلح استانبول اول را با دولت عثمانی امضا کرد که براساس آن، بخش‌های وسیعی از ایران در قفقاز و غرب کشور به عثمانی واگذار شد و ایران حق هیچ‌گونه ادعایی نسبت به این مناطق را نداشت.<sup>۷۶</sup>

پس از امضای این عهدنامه، شاه‌عباس به مقابله با اوزبکان شتافت و نیز توانست اوضاع داخلی ایران را که به‌ویژه تحت تأثیر درگیری‌های داخلی و اختلافات نیروهای قزلباش بود، سروسامان دهد.<sup>۷۷</sup> پس از آن، دوباره خود را برای جنگ با عثمانی آماده کرد.

۷۲. فن دریابل، ۵۶.

۷۳. قمی، ۸۹۱-۸۹۲.

۷۴. قزوینی، ۶۸؛ ترکمان، ۴۱۰/۲.

۷۵. ترکمان، ۴۰۹/۲-۴۱۰.

۷۶. قمی، ۸۹۱/۱-۸۹۴؛ فریدون‌بیگ، ۲۴۸/۲-۲۵۲؛ ایواغلی، ۲۷۷-۲۸۲؛ بیات، ۲۴۷.

۷۷. ترکمان، ۴۱۱/۲.

با شروع این دوره از تخاصمات، سرزمین‌هایی مانند قفقاز، آذربایجان و کردستان را از اشغال نیروهای عثمانی خارج کرد؛ تا این که در سال ۱۰۲۲/هـ ۱۶۱۳م پیمان صلح استانبول دوم میان نماینده ایران، قاسم‌بیک و نصوح‌پاشا صدراعظم عثمانی به امضا رسید. برپایه این معاهده، دولت عثمانی از هرگونه ادعایی نسبت به سرزمین‌های تصرف شده به وسیله دولت صفوی صرف نظر کرد و مرزهای دو کشور به حدودی رسید که در عهدنامه آماسیه تعیین شده بود. اما دو طرف معاهده چندان به مفاد آن پای بند نماندند.<sup>۷۸</sup> این ناپای‌بندی‌ها همواره باعث درگیری‌های نظامی می‌شد؛ مرکز این جنگ‌ها مناطق غربی ایران بود که بر سر مسیر تجاری شرق به غرب ایران قرار داشت. این وقایع به دنبال خود ویرانی و ناامنی ایجاد می‌کرد و سبب می‌شد که بازرگانان برای مبادله کالاهای خود به مناطق مرکزی‌تر در قلمرو صفویه گرایش پیدا کنند؛ برای مثال در زمان شاه‌عباس، احمد‌پاشا حکمران وان، بازرگانان ایرانی را در تبریز کشت و تمام اموال آنان را تصرف کرد.<sup>۷۹</sup> نیز سربازان عثمانی سیزده سال در قلعه نهند مستقر بودند و در آن جا اقدام به تجاوز و تعدی به اموال ایرانیان می‌کردند، به طوری که این شهر تبدیل به ویرانه‌ای شده بود.<sup>۸۰</sup> با نگاهی به مفاد پیمان‌نامه‌ها در این دوره،<sup>۸۱</sup> می‌توان درگیری دو حکومت را بر سر ایالات غربی و شمال غربی ایران و مناطق قفقاز درک کرد. دستیابی به شاه‌راه‌های تجاری سنتی که از این مناطق می‌گذشت و در طول تاریخ باعث پیوند تجاری آسیا و اروپا می‌شد، یکی از علل مهم این درگیری‌ها بود.

تسلط عثمانی‌ها بر مناطق غربی ایران، از جمله آذربایجان و حملات آن‌ها به تبریز، که محل ورود بسیاری از راه‌های تجاری و همواره مورد توجه بازرگانان اروپایی بود، سبب شد

۷۸. ترکمان، ۸۶۴/۲، ۱۳۵۳، ۱۴۵۱، ۱۳۵۳/۳؛ فریدون‌بیگ، ۲۶۷/۲-۲۷۱، ۳۴۴-۳۵۱؛ ایواغلی، ۳۳۳-۳۳۷.

۷۹. ترکمان، ۶۴۹/۲-۶۵۰.

۸۰. همان‌جا.

۸۱. رک. روملو، ۱۳۷۴/۳؛ ترکمان، ۱۲۸/۱-۱۲۹، ۸۶۴/۲، ۱۳۵۳، ۱۴۵۱، ۱۳۵۳/۳، ۱۴۲۵-۱۴۲۷، ۱۴۴۳-

۱۵۴۹؛ قمی، ۳۶۹/۱-۳۷۰، ۸۹۱-۸۹۴؛ ایواغلی، ۱۵۸، ۲۷۷-۲۸۲، ۳۳۳-۳۳۸؛ جنابندی، ۵۵۱، ۸۳۷-۸۳۹،

۸۷۳؛ فریدون‌بیگ، ۲۴۸/۲-۲۵۲، ۲۶۷-۲۷۱، ۳۴۴-۳۵۱؛ بیات، ۲۴۷؛ منجم، ۳۰۹-۳۱۰، ۲۷۳-۲۷۴.

که این بازرگانان به دنبال راهی باشند که از قلمرو عثمانی عبور نکنند. سرانجام در نتیجه تلاش‌هایی که نمایندگان کمپانی «مسکوی» برای ایجاد ارتباط با دربار صفوی کردند، در سال ۹۷۰/۱۵۶۹م فرمانی از طرف عبدالله‌خان استاجلو حاکم شیروان، خطاب به کمپانی بازرگانان انگلیسی که در روسیه، ایران، دریای خزر و تمام سرزمین‌ها و کشورهای مجاور فعالیت می‌کرد، صادر شد. براساس این فرمان به بازرگانان انگلیسی اجازه فعالیت اقتصادی داده شد. این امر آغازی برای پدید آمدن مسیر تجاری جدید (شمال-جنوب) در ایران برای صادرات و واردات کالاهای تجاری بود.<sup>۸۲</sup> شروع فعالیت این مسیر تجاری سبب شد که شهرهای تولید ابریشم مانند گیلان، شماخی و گرجستان، رونق بیشتری بگیرند.<sup>۸۳</sup> ابریشم این مراکز تولیدی از طریق بازرگانان شهرهای اردبیل، تبریز، قزوین، کاشان و اصفهان<sup>۸۴</sup> به هرمز و حلب ارسال می‌شد.<sup>۸۵</sup>

دولت عثمانی در اواخر سده ۱۰/۱۶م بر بندرهای عمده دریای خزر و مناطق مهم تولید ابریشم مسلط شد. انعقاد قرارداد سال ۹۹۹/۱۵۹۰م میان دولت عثمانی و شاه‌عباس اول، موجب استحکام موقعیت عثمانی در مناطق غربی و شمال غربی ایران گردید.<sup>۸۶</sup> تحولات سده ۱۰/۱۶م، گرچه تجارت ابریشم را متوقف نساخت، ولی آن را از پیشرفت بازداشت. از سال ۹۹۳ تا ۱۰۱۲/۱۵۷۸ تا ۱۶۰۴م تبریز در تصرف عثمانی‌ها بود.<sup>۸۷</sup> حملات عثمانی‌ها به مراکز سیاسی حکومت صفویه (تبریز و قزوین) و تصرف یا تهدید آن‌ها سبب شد اصفهان به پایتختی حکومت صفویه انتخاب شود (۱۰۰۶هـ). البته حملات اوزبکان به ایالات شرقی و مرکزی ایران و دوری مرکز سیاسی نسبت به مناطق مورد هجوم

۸۲. سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران، ۱۲۰-۱۲۲.

۸۳. همان، ۱۳۷-۱۳۸.

۸۴. همان، ۱۳۹.

۸۵. همان، ۱۵۴.

۸۶. ترکمان، ۴۱۰/۲.

۸۷. حسینی استرآبادی، ۲۰۴.

اوزبکان نیز در این انتقال بی تأثیر نبود.<sup>۸۸</sup> اصفهان بر سر مسیر راه‌های تجاری که از خلیج فارس به عثمانی و اروپا و به مناطق غرب و شرق قلمرو صفوی عبور می‌کرد، قرار داشت<sup>۸۹</sup> و این مرکزیت سبب شد که بازرگانان ایرانی و خارجی زیادی در این شهر ساکن شوند. از جمله مناطقی که بازرگانان تحت تأثیر جنگ‌های صفویان با عثمانی‌ها در مناطق غربی ایران، بدان‌جا نقل مکان کردند و در آن‌جا دارای تراکم جمعیتی شدند، گیلان و مازندران بود. در این شهرها در کنار بازرگانان ایرانی، بازرگانان ارمنه و یهودی نیز سکونت داشتند که به فرمان شاه‌عباس از گرجستان و شیروان به فرح‌آباد منتقل شده بودند.<sup>۹۰</sup> بخش وسیعی از ایالت گیلان را توتستان‌های وسیع دربر می‌گرفت. عمده تجارت ایران ابریشم بود که بیش‌تر در ایالت گیلان به‌عمل می‌آمد.<sup>۹۱</sup> گیلان در میان ولایت‌های ایران از نظر تولید ابریشم رتبه اول داشت و به‌تنهایی محصول ابریشم آن ۸۰۰۰ تا ۱۰/۰۰۰ عدل بوده- است.<sup>۹۲</sup> صید ماهی در گیلان نیز از درآمدهای دیگر شاه بود.<sup>۹۳</sup> این شهر که مرکز مهم تجارت ابریشم ایران به سایر نقاط دنیا بود، عایدات بسیار زیادی به بازرگانان داخلی و خارجی می‌رساند.<sup>۹۴</sup>

شاهان صفوی پیش از شاه‌عباس اول، علاوه بر اخذ جزیه از اقلیت‌ها، ورود آنان به عرصه‌های سیاسی-اجتماعی را نیز محدود ساختند.<sup>۹۵</sup> در عهد شاه‌عباس اول، نوع برخورد او با پیروان سایر ادیان و مذاهب سبب شد تا اقبال آن‌ها به حضور و فعالیت در ایران افزایش

۸۸. منجم، ۱۶۱.

۸۹. لاکهارت، ۴۱۳.

۹۰. ترکمان، ۸۸۱/۲؛ جنابذی، ۸۴۰-۸۴۱.

۹۱. تاورنیه، ۶۰۰.

۹۲. اولتاریوس، ۳۲۰؛ شاردن، ۹۰۲/۲.

۹۳. سانسون، ۱۳۴-۱۳۵.

۹۴. کشیشان فرانسوی، ۶۰-۶۱.

۹۵. نوایی، ۱۱۶.

یابد و به همکاری با صفویه بپردازند.<sup>۹۶</sup> هم‌چنین برخی از یهودیان ساکن اسپانیا که از آن‌جا رانده شده بودند، در این زمان به ایران مهاجرت کردند.<sup>۹۷</sup> ارامنه پیش از انتقال به جلفای اصفهان، تجارت ابریشم گرجستان و شماخی به حلب را در اختیار داشتند؛ آن‌ها ادویه‌ای را که از هند به ایران وارد می‌شد به سایر نقاط اروپا و مراکز تجاری ارسال می‌کردند و در برابر آن، پارچه به ایران وارد می‌کردند.<sup>۹۸</sup>

در این دوره، اصفهان از جمله مراکز مهم استقرار بازرگانان در ایران عهد صفویه بود. این شهر محل تجمع بازرگانان مختلف از سراسر دنیا<sup>۹۹</sup> و از مراکز تجاری مهم ایران محسوب می‌شد. در بازار اصفهان علاوه بر تجار ایرانی، از بازرگانان هندی، تاتارهای خوارزمی، ترک، ختایی، بخارایی، یهودی، ارمنی، گرجی و در کنار آن‌ها تجار اروپایی از انگلستان، هلند، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا فعالیت می‌کردند.<sup>۱۰۰</sup> در این شهر، بازرگانان یهودی، هندی (بانیان)<sup>۱۰۱</sup> و ارامنه دارای تیمچه بودند و رقابت تجاری زیادی میان این بازرگانان برای کسب ثروت در جریان بود.<sup>۱۰۲</sup> در بازار و کاروانسراهای مختص به آن‌ها اجناس و امتعه فراوانی از هر نوع وجود داشت که دلالت بر ثروت سرشار و کلان این بازرگانان می‌کرد.<sup>۱۰۳</sup> در این میان، ارامنه از مهم‌ترین و بانفوذترین بازرگانان اصفهان به‌شمار می‌رفتند.<sup>۱۰۴</sup> جلفای اصفهان مرکز اصلی سکونت بازرگانان ارامنه بود.

---

۹۶. ترکمان، ۸۱/۲.

۹۷. فیگوئروا، ۶۱.

۹۸. سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران، ۱۴۸-۱۴۹.

۹۹. جملی‌کاری، ۶۵.

۱۰۰. اولناریوس، ۲۴۲.

۱۰۱. دلاواله، ۵۵.

۱۰۲. فیگوئروا، ۳۲۶.

۱۰۳. جملی‌کاری، ۶۶.

۱۰۴. شاردن، ۹۷/۲.

در عهد صفویه، بسیاری از یهودیان ایران چه فقیر و چه غنی، در محله‌های جداگانه زندگی می‌کردند.<sup>۱۰۵</sup> در شهر اصفهان «یهودیان با مسلمانان به راحتی داد و ستد می‌کردند و دارای ثروت فراوانی بودند، خانه‌های زیبا و بی نظیری نیز بنا می‌کردند».<sup>۱۰۶</sup> فعالیت‌های تجاری آنان عمدتاً فروش جواهرات گران بها بود و مانند هندیان صراف بودند و در کارهای صنعتی و فنی نیز مهارت داشتند.<sup>۱۰۷</sup> آن‌ها هم چنین مهارت و شگرد ویژه‌ای در رباخواری داشتند<sup>۱۰۸</sup> و در کنار بازرگانان ایرانی جریان تجارت داخلی ایران را در دست داشتند.<sup>۱۰۹</sup> آنان در کار صنعت بافت و تجارت پارچه‌های ابریشمی، شال کمر و قالی نیز فعالیت می‌کردند.<sup>۱۱۰</sup>

بازرگانان هندی که تحت تأثیر تساهل مذهبی شاه‌عباس و افزایش امنیت به ایران روی آورده بودند<sup>۱۱۱</sup> با تثبیت موقعیت اقتصادی خویش در شهرهای ایران، اقدام به ساخت بناهایی برای تسهیل در امر تجارت و داد و ستد کردند، برای نمونه در بخشی از بازار قیصریه اصفهان کاروانسرای ساختند که «لله‌بیگ» (عنوان ناظر کل زمان شاه‌عباس) نام گرفت و محل استقرار بازرگانان سرمایه‌دار هندی بود که به دادوستد کالاهای گران‌بهای هندی اشتغال داشتند. بازاری نیز به نام لله‌بیگ در کنار کاروانسرا قرار داشت که پر از اجناس گران‌بها شامل منسوجات و ملبوسات زربفت و گلدوزی و قلابدوزی و نقره‌کاری بود.<sup>۱۱۲</sup> در محدوده بازار بزرگ اصفهان پس از کاروانسراهای ملا عین‌بیگ، طویله، کاشان و لاری‌ها

۱۰۵. شاردن، ۱۴۸۴/۴؛ فیگوتروا، ۶۰.

۱۰۶. گرس، ۲۱۲.

۱۰۷. تاورنیه، ۴۰۹.

۱۰۸. اولناریوس، ۷۵۲.

۱۰۹. تاورنیه، ۴۰۹.

۱۱۰. همو، ۶۷۵.

۱۱۱. فیگوتروا، ۶۱.

۱۱۲. شاردن، ۱۴۶۴/۴.

(که مملو از بازرگانان داروفروش بود)، کاروانسرای مولتانیان در کنار بازاری به همین نام قرار داشت که متعلق به بازرگانان هندی (بانیان) بود. این کاروانسراها از بزرگ‌ترین و آبادترین کاروانسراهای شهر بودند.<sup>۱۱۳</sup> کاروانسرای طویله اول در نزدیکی کاروانسرای شاهی و کاروانسرای طویله دوم در بازار چیت‌فروشان محل اقامت بازرگانان هندی پارچه بود.<sup>۱۱۴</sup> یکی از تیمچه‌های کاروانسرای شاه در میدان نقش‌جهان نیز محل اقامت تجار ثروتمند هندی و به احتمال زیاد، دلالان پارچه بود.<sup>۱۱۵</sup> کاروانسرای مستوفی و کاروانسرای فیل هم محل اقامت سوداگران هندی بوده‌است.<sup>۱۱۶</sup> کاشان نیز از مراکزی بود که بازرگانان هندی بسیاری در آن رفت‌وآمد داشتند.<sup>۱۱۷</sup> در قزوین هم بازرگانان هندی به تجارت ادویه اشتغال داشتند.<sup>۱۱۸</sup> تجار هندی از طریق تاجران هندی ساکن در هرمز که مرکز اصلی ورود ادویه هند به ایران بوده‌است به طور مستقیم ادویه را به ایران وارد و بخشی از آن را به اروپا ارسال می‌کردند.<sup>۱۱۹</sup>

از مناطقی که دورتر از حملات عثمانی‌ها بود و از عهد شاه‌عباس اول، مرکز اصلی برای مسیر جدید شمال به جنوب به‌شمار می‌رفت، قزوین بود. این شهر از مراکزی بود که مال‌التجاره‌ها در آن جا گردآوری می‌شد و سپس به طرف جنوب ایران فرستاده می‌شد.<sup>۱۲۰</sup> قزوین مرکز عبور کاروان‌های حامل ابریشم گیلان به کاشان و شهرهای مرکزی ایران به-

۱۱۳. شاردن، ۱۴۴۰.

۱۱۴. بلیک، ۱۳۱.

۱۱۵. همو، ۱۲۹.

۱۱۶. همو، ۱۳۳.

۱۱۷. سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران، ۱۹۳.

۱۱۸. همان، ۱۱۲.

۱۱۹. همان، ۲۰۱.

۱۲۰. تاورنیه، ۶۹۵.

حساب می‌آمد<sup>۱۲۱</sup> و از موقعیت ممتازی در این مسیر برخوردار بود.<sup>۱۲۲</sup> این موقعیت تا اواخر حکومت صفویان حفظ شد، به طوری که بازرگانانی که از اردبیل، ایروان و تبریز قصد رفتن به اصفهان را داشتند بخشی از کالاهای خود را در این شهر مبادله می‌کردند.<sup>۱۲۳</sup> این امر سبب شد که قزوین همواره محل اجتماع بازرگانان باشد.<sup>۱۲۴</sup> این را می‌توان از شمار زیاد کاروانسراهای قزوین به اثبات رساند، از جمله کاروانسرای ساخته مه‌دعلیا مادر شاه-عباس<sup>۱۲۵</sup> و کاروانسرای زینب بیگم عمه شاه‌عباس.<sup>۱۲۶</sup> از این کاروانسراها سیاحان اروپایی همواره یاد کرده‌اند.<sup>۱۲۷</sup>

درگیری‌های مرزی و تغییر مسیرهای تجاری باعث شد که شهر کوچکی مانند قم که در بخش مرکزی مسیر شمال به جنوب قرار داشت، تبدیل به محلی برای اجتماع بازرگانان شود. این شهر مرکز تجمع بازرگانان مختلفی از نژادها و اقوامی بود «که هر کدام به زبان خاص خود صحبت می‌کردند و کسی زبانشان را نمی‌فهمید، مگر آن‌که سخن درباره چانه-زدن بر سر قیمت کالایی بوده باشد».<sup>۱۲۸</sup> این شهر از لحاظ تجارت و رفت‌وآمد کاروانها بسیار بااهمیت بود و در زمینه ساخت شمشیر، چاقو، زره و سایر ابزارهای فلزی شهرت داشت.<sup>۱۲۹</sup> افزون بر این، مهم‌ترین صنعت قم، تولید ظروف بود که گفته می‌شود این ظروف در نوع خود کم‌نظیر بودند و بر ظروف چینی برتری داشتند و به سراسر کشور ارسال می-

۱۲۱. دلاواله، ۱۱۰.

۱۲۲. شاردن، ۵۱۰/۲.

۱۲۳. نامه‌های شگفت‌انگیز، ۷۰-۷۱؛ واله قزوینی، ۵۲۵.

۱۲۴. دلاواله، ۲۳۲.

۱۲۵. فیگوتروا، ۲۷۴.

۱۲۶. دلاواله، ۳۴۶.

۱۲۷. تاورنیه، ۷۷؛ کاتف، ۵۸.

۱۲۸. گرس، ۱۷۹.

۱۲۹. کاتف، ۶۰.



### نبرد با پرتغالی‌ها در جنوب ایران

در ۹۱۳هـ/ ۱۵۰۷م آلفونسو دو آلبوکرک با شش کشتی شهر مسقط در عمان که خراج‌گزار امیر هرمز بود و برخی دیگر از بندرهای عمان را تصرف کرد.<sup>۱۳۱</sup> او با تسلط بر هرمز، امیر آن‌جا سیف‌الدوله را خراج‌گزار خود کرد.<sup>۱۳۲</sup> پرتغالی‌ها به مدت یک سده بر گمرکات هرمز تسلط داشتند. در این مدت روابط صفویان با آنان تا عهد شاه‌عباس اول در سطح آمودورفت سفرا به ایران بود. شاه‌عباس تلاش زیادی برای ورود به نواحی تحت تسلط پرتغالی‌ها در خلیج فارس انجام داد.<sup>۱۳۳</sup> از سوی دیگر، بازرگانان پرتغالی سیاست تند و خشنی را در برابر قبایل و اهالی بومی منطقه در پیش گرفتند و به چپاول اموال آن‌ها می‌پرداختند. هم‌چنین به بازرگانان ایرانی اجازه صدور ابریشم و کالاهای تجاری را از طریق دریا به صورت مستقیم به هندوستان یا اروپا نمی‌دادند.<sup>۱۳۴</sup> این‌گونه رفتارهای پرتغالی‌ها سبب شد که شاه‌عباس اخراج آن‌ها از خلیج فارس اقدام کند. به همین منظور ابتدا با کمپانی هند شرقی انگلیس وارد مذاکره شد؛ در این زمان ادوارد کاناک انگلیسی با نماینده شاه‌عباس دیدار کرد.<sup>۱۳۵</sup>

شاه‌عباس که از رقابت میان اروپاییان برای ورود به خلیج فارس مطلع بود، از اشتیاق آن‌ها به بهترین شکل ممکن استفاده کرد؛ زیرا علاوه بر بازرگانان ایرانی، کشتی‌های تجاری انگلیسی‌ها برای ورود به بنادر خلیج فارس و جزایر آن‌جا می‌بایست از فرمانده پرتغالی قلعه مجوز بگیرند و کسب این مجوز به سختی انجام می‌شد. عمال کمپانی‌های هند شرقی به-

۱۳۰. اشترویس، ۱۸۸.

۱۳۱. شوستر والس، ۱۱۱.

۱۳۲. کاستلیانو، ۳۴۹-۳۵۰.

۱۳۳. حسن، ۲۲۰.

۱۳۴. اکونیا، ۳۳۲-۳۳۵؛ فریر، ۲۲۸-۲۲۹.

۱۳۵. دلاواله، ۷۵-۹۵.

سبب اشکال تراشی های پرتغالی ها با مشکل مواجه می شدند. با پیش قدم شدن شاه عباس برای اخراج پرتغالی ها، فرصت مناسب برای انگلیسی ها فراهم شد.<sup>۱۳۶</sup> به دنبال این هدف، الله وردی خان فرمانده لشکر صفویه، به بحرین که از مراکز مهم صید مروارید در خلیج فارس بود، هجوم برد و آن جا را تصرف کرد.<sup>۱۳۷</sup> در مرحله دیگری از این کشمکش ها، نیروهای صفوی به فرماندهی امامقلی خان حاکم فارس به هرمز حمله کردند و آن جا را به تصرف خود درآوردند.<sup>۱۳۸</sup> سرانجام براساس توافق نامه طرفین، تمام املاک و مناطقی که جزو قلمرو ایران بود به حکومت صفوی بازگردانده شد. پس از آن هرمز کاملاً در تسلط ایران قرار گرفت و شاه عباس نیز مسیر تجاری ایران را به بندرعباس (گمبرون) منتقل کرد که پیش از هرمز تصرف شده بود.<sup>۱۳۹</sup> اقدامات شاه عباس در ایجاد امکانات عمرانی و رفاهی در بندرعباس، ایجاد حصار برای این بندر به هدف حفظ امنیت آن، موافقت با ورود کمپانی های انگلیسی و هلندی به بندرعباس و ایجاد تجارتخانه برای آن ها، به رونق تجارت در این شهر انجامید. این شرایط سبب افزایش جمعیت بازرگانان ایرانی، ارمنی و هندی در این شهر شد.<sup>۱۴۰</sup> بدین ترتیب با انجام این جنگ ها و اخراج پرتغالی ها از هرمز و جنوب ایران، شرایط برای اجرای طرح شاه عباس مبنی بر ایجاد مسیر دریایی صادرات و واردات کالاهای تجاری فراهم شد. نیاز به مسیر جدید، ضرورت اقدامات عمرانی و رفاهی را در قالب تأسیسات اقامتی نظیر کاروانسرا و مهمانسرا، احداث و ترمیم راه ها، مبارزه با دزدی و ناامنی در مسیرها، نظارت بر امور تولید و تجارت، توسط شاه و حکام نواحی بین راهی افزایش داد. این گونه اقدامات در پی موفقیت های نظامی، بر پراکندگی منظم بازرگانان در جنوب ایران

۱۳۶. ویلسون، ۱۷۰.

۱۳۷. همو، ۳۰۴.

۱۳۸. ترکمان، ۹۸۲/۳.

۱۳۹. شوستر والسر، ۱۱۴.

۱۴۰. تاورنیه، ۶۸۸.

تأثیر گذاشت؛ چراکه اخراج پرتغالی‌ها از جنوب ایران سبب رونق تجاری برخی از شهرهایی شد که در مسیر تجاری شمال به جنوب قرار داشتند. این امر افزون‌بر ورود و اجتماع بازرگانان ایرانی در شهرهای جنوبی ایران، سبب اجتماع بازرگانان غیرمسلمان در این مراکز شد؛ از جمله در شیراز که از مراکز اصلی سکونت بازرگانان یهودی در دوره صفویه بود.<sup>۱۴۱</sup> شیراز که در عهد اوزون حسن آق‌قویونلو از شهرهای پرجمعیت به‌شمار می‌رفت، محل عبور تعداد زیادی از بازرگانانی بود که از هرات، سمرقند و نسا به این شهر می‌آمدند و به طرف جنوب می‌رفتند.<sup>۱۴۲</sup> شیراز چون بر سر مسیر اصفهان به جنوب ایران قرار داشت رونق یافته بود.<sup>۱۴۳</sup> این شهر در عهد شاه‌عباس اول از مراکزی بود که کمپانی‌های اروپایی در آن‌جا مرکز تجاری داشتند؛ زیرا محل عبور ابریشم به طرف خلیج فارس بود.<sup>۱۴۴</sup> این شهر پس از تصرف لار و هرمز به دست امامقلی‌خان و خروج پرتغالی‌ها از این مناطق، رونق زیادی یافت و اقدامات عمرانی امامقلی‌خان در ساخت راه‌ها و برداشتن عوارض راه‌داری این امر را تسریع کرد. از این شهر ظروف شیشه‌ای کارگاه‌های شیشه‌سازی به هندوستان و جزایر سوماترا صادر می‌شد.<sup>۱۴۵</sup> بازرگانان هندی، یهودی و ارمنی در کنار بازرگانان ایرانی در این شهر در صادرات و واردات کالاها نقش اساسی را ایفا می‌کردند.<sup>۱۴۶</sup>

موقعیت جغرافیایی لار در شمال خلیج فارس باعث شده بود که با بندرگاه‌های اطراف خود و مراکز اقتصادی ایران در ارتباطی تنگاتنگ باشد و از اهمیت زیادی برخوردار شود. با ورود بازرگانان و کمپانی‌های تجاری اروپایی به ایران و اهمیت یافتن بیشتر جزیره هرمز، شهر لار دارای اهمیت دوچندانی شد. این شهر که دارای رونق اقتصادی و تجاری بود در

۱۴۱. شاردن، ۱۸۸۲/۵.

۱۴۲. سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۹۱.

۱۴۳. همایون، ۶۶.

۱۴۴. فیگوتروا، ۱۴۳-۱۴۴.

۱۴۵. تاورنیه، ۶۵۷-۶۶۴.

۱۴۶. نیبور، ۱۵۷.

کنار شیراز از مراکز اجتماع بازرگانان به شمار می‌رفت.<sup>۱۴۷</sup> شهر لار از مراکز اصلی انبار ابریشم برای صدور به بنادر خلیج فارس بود؛ زیرا بازرگانانی که از اصفهان بار خود را برای صادرات به جنوب می‌آوردند، در لار شترهای باربر خود را تعویض کرده، چند روزی استراحت می‌کردند.<sup>۱۴۸</sup> بازرگانان یهودی ساکن در این شهر، افزون بر صدور فرآورده‌های محلی، واسطه نقل و انتقال کالا به داخل و خارج کشور نیز بودند. واردات این بازرگانان به شیراز، جواهرات، پارچه‌های ابریشمی بزرگ و کوچک، و ادویه بود. در این شهر، از سوی الله‌وردی خان، کاروانسرای برای هندی‌ها ساخته شد که محل دادوستد کالاهایشان بود.<sup>۱۴۹</sup> در این دوره، قرارگرفتن «هرمز» در ورودی خلیج فارس، به رونق تجاری آن انجامیده بود. این شهر نقش مهمی در افزایش درآمد کشور از طریق تجارت ابریشم به‌عهده داشت و از مراکز اجتماع بازرگانان یهودی بود.<sup>۱۵۰</sup> بندرعباس (گمبرون)، کنگ و لنگه نیز از مراکز مهم اجتماع بازرگانان هندی بودند، چنان‌که یک‌سوم جمعیت این مناطق را هندی دانسته‌اند.<sup>۱۵۱</sup> آن‌ها دلالان اصلی کمپانی‌های اروپایی، بانک‌داران و صرافان بودند<sup>۱۵۲</sup> و در این شهر کاروانسراهایی داشتند.<sup>۱۵۳</sup> آنان مسکوکات مرغوب را به‌همراه بازرگانان ارمنی از کشور خارج می‌کردند و با پرداخت رشوه به حاکم بندرعباس، این مسکوکات را به هند می‌بردند.<sup>۱۵۴</sup> بازرگانان هندی از طرف‌های تجاری مهم بازرگانان هرمز محسوب می‌شدند. این امر سبب شد که آنان در هرمز ساکن شوند. هندی‌ها جمعیتی مهاجر بودند که با توجه به

۱۴۷. تاورنیه، ۶۷۵.

۱۴۸. همو، ۶۷۳.

۱۴۹. فیگوتروا، ۸۷.

۱۵۰. همو، ۶۰.

۱۵۱. دلاواله، ۷۳.

۱۵۲. تاورنیه، ۷۷۶.

۱۵۳. اشترویس، ۱۳۲-۱۴۶.

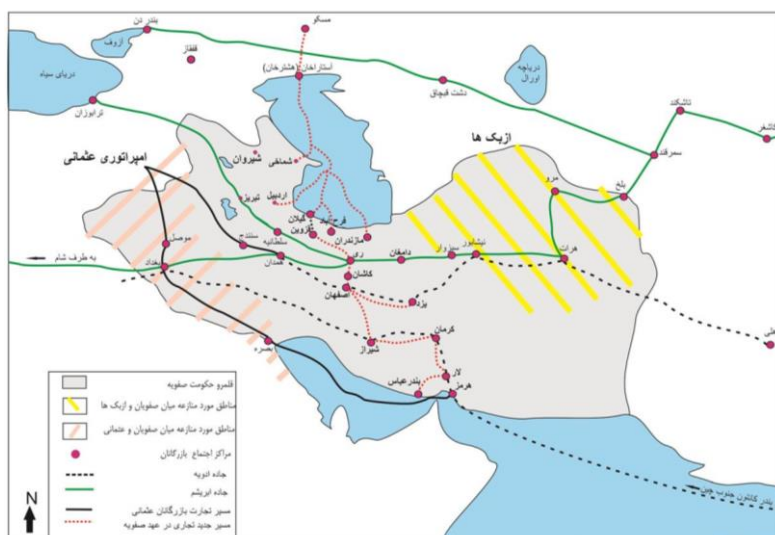
۱۵۴. سانسون، ۱۸۹.

موقعیت اقتصادی مناطق مختلف و علایق تجاری آنان در شهرهای مختلف ایران از جمله اصفهان ساکن شده بودند.<sup>۱۵۵</sup>

### نتیجه

جنگ‌های زمان شاه‌عباس اول با حکومت‌های عثمانی و اوزبکان در غرب و شرق، و با پرتغالی‌ها در جنوب قلمرو صفویه توانست نوعی ثبات و یکپارچگی جغرافیای سیاسی را پس از دوره‌ای آشفتگی و اشغال و ناپایداری مرزی، به‌همراه داشته باشد. در کنار اقدامات نظامی، رشد فعالیت‌های اقتصادی و گسترش تجارت در داخل و برون از مرزها نیازمند وجود ثبات و امنیت در کشور و مرزها و مسیر مناسب جابه‌جایی کالاهاست. مسیرهای تجاری به نوبه خود بر پراکندگی بازرگانان و تنزل و ترقی کانون‌های تجاری و حتی نوع محصولات صادراتی تأثیر خواهد گذاشت. شاه‌عباس اول با تغییر در مسیر سنتی شرق به غرب (همان مسیر زمینی جاده ابریشم) که نوعی سیاست محروم‌سازی عثمانی از عایدات این راه بود، بر مسیر شمال-جنوب، یعنی از دریای خزر به خلیج فارس تکیه کرد؛ زیرا امنیت راه پیشین در لشکرکشی‌های عثمانی به ایران بارها به مخاطره افتاده بود و ترازیت دریافتی از سوی عثمانی، هم قیمت کالاها را در مقصد افزایش می‌داد و هم دشمن او را از نظر بنیه مالی تقویت می‌کرد. در پی این سیاست، مسیر تجاری ایران به مسیر دریایی و شبکه تجارت بین‌المللی پیوست. این امر باعث مهاجرت اجباری و اختیاری بازرگانان شد. از سوی دیگر با توجه به ایجاد امنیت و ساخت کاروانسراها و امکانات رفاهی بر سر مسیرها یا در مراکز اقتصادی‌ای که به‌دور از حملات عثمانی‌ها و اوزبکان بود، پراکندگی بازرگانان از شمال به جنوب قلمرو صفویه شکل منظمی به‌خود گرفت. محل اجتماع بازرگانان شهرهایی شد که دورتر از مناطق جنگی بودند. این پراکندگی بازرگانان شامل شهرهای گیلان،

مازندران، اردبیل، تبریز، کاشان، یزد، اصفهان، کرمان، شیراز، لار، هرمز، بندرعباس و خلیج فارس می‌شد. این نوع از پراکندگی به دنبال خود رونق اقتصادی ایران در عهد صفویه را به همراه داشت. در مجموع جنگ به عنوان عاملی نظامی در ایجاد رویکرد اقتصادی شاه-عباس به بهره‌گیری از مسیر مواصلاتی برخوردار از امنیت برای فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه تجارت، به دور از مسیرهای مخاطره‌آمیز، و در نتیجه تغییر در وضعیت استقرار بازرگانان متناسب با مسیر جدید، تأثیرگذار بوده است.



نقشه ۱. مسیرهای تجاری که از قلمرو صفویه عبور می‌کردند (نگارندگان)

## کتابشناسی

- آذربیکدلی، لطفعلی‌بیگ، آتشکده آذر، مقدمه و تعلیقات جعفر شهیدی، تهران، کتاب، ۱۳۳۷ ش.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، آگه، ۱۳۷۶ ش.
- اسفزاری، معین‌الدین محمد الزمچی، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، تصحیح محمد کاظم امام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش.
- اشترویس، یوهان، سفرنامه، ترجمه ساسان طهماسبی، قم، مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
- افشار، ایرج، کاروانسراه‌های اصفهان در دوره صفوی، میراث اسلامی ایران، دفتر پنجم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۶ ش.
- افوشته‌ای نظزی، محمودبن هدایت‌الله، نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
- اولناریوس، آدام، سفرنامه اولناریوس، ترجمه حسین کردبچه، تهران، کتاب برای همه، ۱۳۶۹ ش.
- اینالجبیق، خلیل، امپراتوری عثمانی (عصر متقدم ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰)، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران، بصیرت، ۱۳۹۴ ش.
- ایواغلی، حیدرین ابوالقاسم، مجمع الانشاء=جامعه مراسلات اولوالالباب، نسخه خطی شماره ۱۰۷۱، تهران، کتابخانه ملی.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران، صنفی‌علیشاه، ۱۳۶۲ ش.
- بلیک، استفان پی، نصف جهان معماری اجتماعی اصفهان، ترجمه محمد احمدی‌نژاد، اصفهان، خاک، ۱۳۸۱ ش.
- بیات، اروج‌بیگ، دون ژوان ایرانی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸ ش.
- تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، اصفهان، انتشارات سنائی، ۱۳۳۶ ش.
- تتوی، قاضی احمد، قزوینی، آصف‌خان، تاریخ الفی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
- ترکمان، اسکندربیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ ش.
- همو، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷ ش.
- ثواقب، جهانبخش، لعبت‌فرد، احمد، «واکاوی رویارویی‌های مذهبی صفوی و عثمانی در قفقاز (۹۳۰ تا ۱۰۳۸ ق/۱۵۲۳ تا ۱۶۲۹ م)»، پژوهش‌های تاریخی، سال نهم، شماره ۴، ۱۳۹۶ ش.

- ثواقب، جهانبخش، لعبت فرد، احمد، «عوامل اقتصادی تنش میان صفویه و عثمانی در قفقاز و پیامدهای آن (۹۳۰-۱۰۳۸ ق/۱۵۲۳-۱۶۲۹ م)»، پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال هفتم، ش ۲۷، ۱۳۹۶ ش.
- جملی کاری، جوانی فرانچسکو، سفرنامه کاری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ۱۳۴۸ ش.
- جنابدی، میرزابیگ، روضه الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۸ ش.
- حسن، هادی، سرگذشت کشتی رانی ایرانیان، ترجمه امید اقتداری، تصحیح احمد اقتداری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.
- حسینی استرآبادی، حسین بن مرتضی، از شیخ صفی تا شاه صفی (تاریخ سلطانی)، به کوشش احسان اشراقی، تهران، علمی، ۱۳۶۶ ش.
- حسینی قمی احمد بن شرف الدین حسین، خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.
- خنجی، فضل الله بن روزبهان، مهمان نامه بخارا، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۴ ش.
- همو، تاریخ عالم آرای امینی، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۲ ش.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین حسینی، تاریخ حبیب السیر، با مقدمه جلال الدین همائی، تهران، خیام، ۱۳۳۳ ش.
- دلاواله، پیتر، سفرنامه، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ ش.
- دوغلان، میرزا محمد حیدر، تاریخ رشیدی، تصحیح عباسقلی غفاری فرد، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۳ ش.
- روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴ ش.
- سانسون، سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)، به اهتمام تقی تفصلی، تهران، ابن سینا، ۱۳۷۶ ش.
- سفرنامه های انگلیسی ها در ایران، ترجمه ساسان طهماسبی، قم، مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
- سفرنامه های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۱ ش.
- شاردن، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۴ ش.
- شوستر والسر، سیبلا، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپاییان، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران،



امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.

شیرازی نویدی، عبدی‌بیگ، تکملة الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، نی، ۱۳۶۹ ش.  
فریر، رانلد، «تجارت در دوره صفویه» در: تاریخ ایران دوره صفویه: پژوهش کمبریج، ترجمه یعقوب  
آژند، تهران، جامی، ۱۳۸۸ ش.

فریدون‌بیگ، احمد فریدون توقیعی، منشآت السلاطین، استانبول، بی‌نا، ۱۲۷۴ هـ.

فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه‌عباس اول، تهران، علمی، ۱۳۶۹ ش.

فن دریابل، ژرژ تکتاندر، ایت‌پرسیکوم، ترجمه محمود تفضلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱ ش.

فیگوئروا، دن‌گارسیا دسیلوا، سفرنامه دن‌گارسیا دسیلوا فیگوئروا: سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول.  
ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نو، ۱۳۶۳ ش.

قزوینی، میرزا طاهر وحید، تاریخ جهان‌آرای عباسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،  
۱۳۸۳ ش.

قطغان، محمدیاربن عرب، مسخرالبلاد (تاریخ شیبانیان)، تصحیح نادره جلالی، تهران، نشر میراث  
مکتوب، ۱۳۸۵ ش.

قمی، قاضی احمد بن حسین، خلاصة التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران،  
۱۳۵۹ ش.

کاتف، فدت آفانس یویچ، سفرنامه کاتف، ترجمه محمدصادق همایونفرد، تهران، کتابخانه ملی ایران،  
۱۳۵۶ ش.

کمپفر، انگلیرت، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳ ش.

کاستلیانو، اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال (۱۵۰۰-۱۷۵۸)، ترجمه مهدی آقامحمد زنجانی، تهران،  
مرکز اسناد و خدمات پژوهش، ۱۳۸۲ ش.

گرس، ایوان، سفیر زیبا، سفرنامه فرستاده فرانسه در دربار شاه سلطان حسین، ترجمه علی‌اصغر سعیدی،  
تهران، تهران، ۱۳۷۰ ش.

گروسه، رنه، امپراطوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.

لاکهارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، ترجمه مصطفی‌قلی عماد،  
تهران، مروارید، ۱۳۶۸ ش.

مارکو پولو، سفرنامه، ترجمه منصور سجادی، تهران، گویش، ۱۳۶۳ ش.

متی، رودلف پ.، اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه، قم، پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه، ۱۳۸۷ش.

مستوفی بافتی، محمدمفید، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۳۸ش.

مستوفی قزوینی، حمدالله، نزهة القلوب، تصحیح گای لسترنج، تهران، ارمغان، ۱۳۶۲ش.

منجم، ملاجلال‌الدین، تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال)، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران، وحید، ۱۳۶۶ش.

منشی، محمدیوسف، تذکره مقیم‌خانی، مقدمه، تصحیح و تحقیق فرشته صرافان، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۰ش.

نامه‌های شگفت‌انگیز (کشیشان فرانسوی در دوران صفویه و افشاری)، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران، مؤسسه علمی اندیشه جوان، ۱۳۷۰ش.

نوایی، عبدالحسین، شاه‌طهماسب صفوی (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی)، تهران، ارغوان، ۱۳۶۸ش.

نیبور، کارستن، سفرنامه کارستن نیبور، ترجمه پرویز رجبی، تهران، توکا، ۱۳۵۴ش.

واله قزوینی، محمدیوسف، خلدبرین، ایران در روزگار شاه صفی و شاه‌عباس دوم، به کوشش محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲ش.

ویلسون، آرنولد، مجموعه وقایع تاریخی و گزارش نظامی خلیج فارس از قدیم‌ترین ازمه تا اوایل قرن بیستم، ترجمه محمد سعیدی، تهران، فرهنگ، ۱۳۱۰ش.

همایون، غلامعلی، اسناد مصور اروپاییان از ایران از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن هجدهم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش.